



نوشته از ع. بصیر دهباز

افغانستان در یک پرتگاه و میدان تقابل جنگ های مخفی استخباراتی

قتل مرموز دو تن از فیگور های کلیدی طالبان پاکستانی در شهر کابل هوشدار از فعالیت های خطرناک استخباراتی دستگاه استخباراتی سی. آی. ای آمریکا تا ام ای 6 انگلیس و از جی آر یو روسیه تا استخبارات چین و همچنان استخبارات منطقوی مانند آی اس آی پاکستان و استخبارات ایران ، میدهد که میدان برای هرگونه عملیات های استخباراتی آنان به احتمال قوی با همکاری و زمینه سازی نهاد های مخصوص در دستگاه دولت کنونی افغانستان ایجاد میگردد.

ممکن است این ایده و حکم من خیالی و صوری به نظر برسد، اما دهها واقعات قتل های مرموز که در رسانه های اجتماعی انتشار یافته اند، دال بر چنین یک تصور و گمان و یا حکم را مستدل میسازد.

ما در سابق فیلم های پولیس مخفی 007 را دیده بودیم، ولی این عملیات های مخفی کنونی را عملن میبینیم و میشنومیم که سریال های هنری از کار های استخباراتی و حادثه آفرینی پولیس 007 در عمل پیاده میشوند. برای من این مهم نیست که کی به قتل رسید و چه کسی بود و مصروف چه کاری بود، دوست بود یا دشمن؟ اما هدف بیان این واقعیت است که قتل های بدون کدام پروسه عدلی و قضائی و در نتیجه عملیات های مخفی شباهه قابل تشویش و نگرانی جدی است.

قتل آقای وحید مژده در حین پروسه مذاکرات و انهم در مرحله که کم و بیش طالبان و آمریکائیان با هم نزدیک شده بودند ، شکشکه توافق شنیده میشد، خیلی ها سوال بر انگیز بوده است، زیرا وحید مژده ممکن یک فرد نسبی ، متفکر ، مستقل و نزدیک به طالبان و چهره نرم مزاج برای یک فیگور میانجی بین گروه های اسلامگرا و شیفته سهم در قدرت ، محسوب میگردید. حمله بر چهره دیگر نکتائی پوش طالبان که همیشه در تلوزین ها ظاهر میگردید، مثال دیگری از این واقعیت است.

ناگفته نباید گذاشت که قتل های بدون یک پروسه عدلی و قضائی که خلاف همه نورم های حقوق انسانی و جنگی اند، مانند قتل چهار برادر از یک خانواده در جلال آباد توسط نیرو های خاص امنیت ملی و چندین قتل های مشابه در هفته اخیر گواه بر این حقیقت است که نقش عملیات های مرموز برای قتل های سیاسی خیلی وحشتناک و بیان دخیل بودن و نفوذ قوی چینل های استخباراتی بیگانه در درون سیستم استخباراتی و اورگانهای خاص دولتی افغانستان میباشد. بعد از چندین عملیات های نیروهای ویژه امنیت ملی ، اشارات مبنی بر رهبری و تطبیق دساتیر این عملیات های شبانه و بدون پروسه عدلی و قضائی توسط یک چینل عملیاتی سی آی ای در درون امنیت ملی صورت گرفته است. اکنون هم نمیتوان از نقش استخبارات پاکستان و یا سی آی ای در قتل دو تن از فیگور های کلیدی طالبان پاکستانی، علری از شک و گمان ، فکر کرد.

آخرین اعترافات یکی از تفنگداران غیر مسئول، بدماش و آدمکشان حرفوی در شهر کابل که وی به دستور افراد آقای اتمر، اتمر که مضمون به روابط استخباراتی با ام ای 6 انگلیس است، باید در بدل هر یکصد و پنجاه لک افغانی باید یکی از شش فرد را مطابق یک لست سیا حذف فیزیکی مینمود. این هم یک سوال است که اگر این اعترافات درست باشند، یا استخبارات انگلیس و یا امنیت ملی افغانستان در صدد حذف فیزیکی افراد و چهره های سرشناس و یا مخالف، باشند، پس نقش و مسئولیت رهبری درجه اول و دوم دولت کنونی نیز مورد سوال جدی قرار میگیرد.

بدون شک حذف فیزیکی مخالفین سیاسی، رقبای نظامی و استخباراتی با عملیات های مخفی و قتل های مرموز، به مشکل میتوانند، ردیابی عدلی و قضائی شوند و دلایل قتل و دلایل الزام بر مجرم بدست آیند. ولی شکاکیت ها و مضمونیت ها میتوانند مورد تحقیق و بررسی قرار گیرند.

قتل عای سیاسی و یا حذف فیزیکی مخالفین و چهره های صاحب نفوذ در کشور ها توسط استخبارات تعداد از کشور های غربی بخصوص سی آی ای آمریکا و ام اکس 6 انگلستان، فرانسه و تعداد اعضای ناتو در پنجاه سال اخیر پیوسته عملی شده است. بخصوص در ادامه سقوط پی در پی استعمار کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین یک شیوه حفظ تسلط غیر مشروع و خلاف کنوانسیون های بین المللی بخصوص اسناد معتبر ملل متحد، از جانب این مدافعین به اصطلاح حقوق بشر و طراحان احترام گذاشتن به حق حاکمیت ملی و استقلال ملل، بوده است.

بطور مثال قتل های سیاسی مرموز در سالهای شصت توسط کلاه آبی های قوای صلح ملل متحد که متشکل از نظامیان کشورهای مختلف، عمدتاً از اعضای ناتو، در خط فاصل بین طرفین جنگ در لبنان، چنین عملیات های مخفی شبانه را در ساحات مسلمان نشین انجام میدادند و شخصیت های صاحب نفوذ را حذف فیزیکی میکردند. کشته شدن چگورا در آمریکای لاتین و پاتریس لوممبا در شاخه آفریقای در حال مبارزه بر ضد استعمار و دهها مثال های دیگر.

قضیه حذف فیزیکی افراد صاحب نفوذ در ولایت افزگان در سالهای موجودیت قطعات نظامی هالند در آن ولایت وقتی در رسانه های هالندی خبر ساز شد که یک فرد افغان بنام ابراهیم . ب. وعده دو میلیون ایرورا از وزارت دفاع هالند بدست آورده بود تا او در برابر این پول معلومات، آدرس و کروکی تعداد از افراد صاحب نفوذ در اوروزگان را به هالندی ها دهد تا آنها شب هنگام در عملیات های خاص و مخفی این افراد را حذف فیزیکی نمایند. مراجعه شود به مقاله این جانب در سایت های انتر نت تحت نام "م حقوق بشر و قتل های سیاسی بدون پروسه های عدلی و قضائی".

مسئله اصلی در آن است که کشور ما و شهر کابل ما اکنون به یک میدان خطرناک عملیات مخفی استخباراتی برای حذف فیزیکی افراد تبدیل شده که شاخه و یا شاخه های از امنیت ملی و دستگاه های خاص، در درون ساختار دولت در این جرایم بزرگ یعنی حذف فیزیکی بدون کدام پروسه عدلی و قضائی دخیل اند. اگر چنین همدستی های استخباراتی با استخبارات منطقه و سی آی ای و استخبارات انگلستان صورت گیرد، بیان یک سایه و یا شبه خطرناک و بوی یک دیکتاتوری آرام، با رو پوش دموکراسی است که در گشت و گذار است.

بدون شک این قتل های سیاسی بدون پروسه عدلی و قضائی و در همکاری با دستگاه های استخباراتی بیگانه مسئولیت و الزامیت قانونی را در برابر افراد مسئول یعنی مجرمین و همدستان شان در یک سیستم عدالتمندانه وزیر چتر حاکمیت قانون متوجه خواهد ساخت.